دریچه

«پدر» غذا نمی‌خورد

■ او بـرای همـه چهره شناخته‌شـده‌ای اسـت؛ عبدالهادی الخواجه، فعال حقوق بشر و از بنیانگذاران مرکز حقوق بشر بحرین. کسی که اعتصاب غذای دوماهه‌اش او را در کانون توجه قرار داده است. هرچه وخیم‌تر شـدن شرایط جسمانی او یا حتی مرگش یک تراژدی تاریخی برای بحرین خواهد بود. اتفاقی که پس از آن بحرین هرگز مثل قبل نخواهد شـد. اصطلاحاتی چون جامعه بین‌الملل و مجمع جهانی حقوق بشـر، مفهوم خود را از دست خواهند داد و تشریفاتی بودن بسـیاری از این نهادها بر همگان آشکار خواهد شد.

این داستان جدیدی نیسـت و توقف اعتصاب غذا نیز دردی از این فعال حقوق بشـر دوا نمی‌کند چرا که درد او مربوط به دوران اعتصاب غذا نیست، درد او حتی ناشی از برخورد خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی، ضرب و شتم، شکنجه و تجاوز جنسی هم نیست. مشـکل اصلی‌اش، آل‌خلیفه است که با در دست داشتن تمام ابزارهای قدرت سعی در سرکوب هرگونه صدای مخالف را دارد.

عبدالهادی الخواجه، فعال میانه‌روی بحرینی که به تازگی ۵۲ ساله شده، به خاطر فعالیت‌های خود، بارها توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. او از مبارزان خسـتگی‌ناپذیر حقوق بشر در بحرین و خاورمیانه بوده است، مدتی به عنوان هماهنگ‌کننده حمایت از حقوق بشـر خاورمیانه و شـمال آفریقا فعالیت کرده و زمانی از اعضای شبکه مشاوران مرکز حقوق بشر بین‌المللی به سرپرستی ماری رابینسون (رییس سابق کمیساریای عالی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد) بوده است. او مدت‌های مدیدی از سوی حکومت تحت فشار بود تا اینکه در آوریل ۲۰۱۱، همزمان با سرکوب خیزش مردمی بحرین، بـرای چندمین بار بازداشـت شـد. او میان مردم بحرین از محبوبیت بسیار برخوردار است. بسیاری او را «پـدر» می‌خواننـد. گاهی بـرای اینکه توجه مردم جهان به نقطه‌ای معطوف شود، باید هزینه‌ای هنگفت پرداخت و الخواجه متحمل این هزینه شد تا دنیا آنچه پشت مرزهای بسته بحرین می‌گذرد را زیر ذره‌بین بگیرد؛ کشوری که تحت حکمرانی خاندان سلطنتی آل‌خلیفه اداره می‌شود.

حکومتی که با در دسـت داشـتن تمـام ابزار تبلیغات سعی دارد معترضان را تروریست جلوه دهد و هنگام سرکوب، شیعه، سنی، مسیحی و یهودی نمی‌شناسـد. الخواجه این را به خوبـی می‌داند. او همچنین می‌داند که صدها بحرینی در زندان‌ها برای احیای دموکراسی جان می‌دهند و راهی نمی‌بیند جز اینکه خود متحمل هزینه شود.

عبدالهادی الخواجه اعتصاب غذای خود را با شعار «یا مرگ یا آزادی» در تاریخ هشـتم فوریه ۲۰۱۲ آغـاز کرد. از ۱۵ مـارس و همزمان با کاهش قابل توجه وزن، به اختلال تکلم دچار شد و رفته‌رفته از راه رفتن و حتی ایستادن ناتوان شد. او چندین بار به بیمارستان منتقل شد اما تلاش پزشکان برای تزریق سرم به او، به دلیل ناتوانی و ضعف رگ‌ها، بی‌نتیجه ماند. بر اسـاس اظهارات همسـرش، در این مدت، الخواجه تنها با آب گرم تغذیه می‌شده و نسبت به نور مستقیم آفتاب حساس بوده است.

در حالی‌که وضعیت سلامتش روندی نزولی را طی می‌کرد، او از انجام آزمایشـات پزشکی سر باز مـی‌زد و در نهایت تهدید کـرد که اعتصاب غذای خشـک خود را آغـاز خواهد کـرد. در این مدت، چندیـن دیپلمات دانمارکی با وی دیدار داشـتند و وضعیت سـلامت وی را وخیم گزارش کردند. او اعتقاد دارد که بدون هیچ دلیل قانونی بازداشت شده است و به همین علت به اعتصاب غذای خود تا زمان آزادی از زندان ادامه می‌دهد.

بیش از دو مـاه از اعتصاب غـذای عبدالهادی الخواجه می‌گذرد، در این مدت تجمعات بسـیاری برای آزادی او در گوشه و کنار بحرین صورت گرفته که همگی با برخورد نیروهای امنیتی مواجه شده‌اند. به تازگی، عده‌ای با نوشـتن نامه‌ای سرگشـاده به حمدبن‌عیسی آل‌خلیفه، خواستار آزادی این زندانی سیاسی شده‌اند. این نامه به پیوست تعدادی امضای جمع‌آوری‌شده به سفارت بحرین در لندن فرستاده می‌شود. تاریخچه اعتصاب غذا به ایرلند بازمی‌گردد، روشی برای نشان دادن اعتراض نسبت به بی‌عدالتی که در آن زمان و مکان خاص از قوانین مخصوص به خود تبعیت می‌کرد. آنچنان که فرد اعتصاب‌کننده، روزه خود را پشـت درهای منـزل فرد خاطی آغاز می‌کرد. این شیوه ریشه در فرهنگ ایرلندی‌ها دارد و هدف آن، بر انگیختن احساس گناه در فرد خاطی اسـت. از چهره‌های شـاخص اعتصاب غذاکننده جهان، می‌توان بابی سـاندز را نـام برد که مبارزی ایرلنـدی و از اعضای ارتـش جمهوری‌خواه ایرلند بود. اعتصاب وی ۶۶ روز به طول انجامید و سرانجام منجر به مرگ وی شد.

در شـرایط بسته سیاسی، اعتصاب غذا، همواره یکی از راه‌های مبارزه بی‌خشـونت و ابراز مخالفت با سیاست‌های حاکم بر جوامع بوده است. شخص اعتصاب‌کننـده، بـرای نشـان دادن اعتراض خود و رسـیدن به هدفی مشـخص، از خوردن سـر باز می‌زند. اما باید در نظر داشـت که هیچ‌کدام از این روش‌ها همیشه صددرصد موفق نیستند و اعتصاب غذا نیز از این قاعده مستثنا نیست. به عنوان مثال، ممکن است فرد اعتصاب‌کننده از سوی قدرت‌ها یا رسانه‌های جمعی، مورد بی‌توجهی قرار گیرد. اما اگر چنین نباشد، اعتصاب غذا روشی معقول و زیرکانه برای جلب نظر همگان به مسایلی است که از دید عموم پنهان است.

مصالحه در بحرین ممکن است؟

مریم مرادخانی

عکس: Reuters

طبق آخرین گزارش‌های آماری، کل جمعیت کسانی که شـهروندی بحرین را دارا هسـتند حـدود پانصد و هفتادهزار نفر برآورد شده است، یعنی چیزی کمتر از نصف کل جمعیت ساکن در این کشور که بالغ بر یک‌میلیون و دویسـت‌هزار نفر است. با این وجود، این رقم ناچیز باعث ایجاد جامعه‌ای پیچیده، شـامل گروه‌هـا و زیرگروه‌های بسیار، با گرایش‌ها و رسومات متفاوت شده است.

بیشتر جمعیت بحرین را شیعیانی تشکیل می‌دهند که تحت سلطه خاندان سلطنتی سنی‌مذهب هستند و شیعه‌های بحرین اغلب عرب‌هایی هستند که اصلیت آنها به شبه‌جزیره عرب برمی‌گردد. میان شیعه‌های بحرینی، عرب‌های نواحی شـرقی عربستان سعودی و شیعه‌های عـراق، از نظـر خانوادگـی و مذهبی پیونـدی عمیق و ناگسستنی وجود دارد. آنها اغلب کشاورز یا صیاد صدف یا تاجر هستند که در دهکده‌های شمالی بحرین سکونت دارند و در مقام مقایسه با سایر بحرینی‌ها از رفاه کمتری برخوردارند. گرچه جمعیت طبقه متوسط بین این گروه رو به رشد است؛ طبقه‌ای موفق و ثروتمند. گروهی دیگر از شیعیان ساکن در بحرین هم اصالتا ایرانی هستند، افرادی غالبا فرهنگی و اهل خرد. البته بخش بسـیار کوچکی از شـیعه‌ها را نیز افرادی تشکیل می‌دهند که اصل و نسب آنها به شبه‌قاره هند بازمی‌گردد.

سنی‌های بحرین، اما پیشینه متفاوتی دارند. آنها اغلب عرب‌هایی هستند که اصل و نسب‌شان به شبه‌جزیره عرب برمی‌گردد. آنها مشهور به محرقی هستند، جزیره‌ای با این نام که هم‌اکنون قطب اقتصادی بحرین است. همچنین گروهی کوچک اما با نفوذ از عرب‌های سـنی در بحرین ساکن‌اند که اصالتا ایرانی هستند؛ از جمله برخی از تاجران صاحب‌نام. اصلیت عده محدودی از سنی‌ها نیز به شبه‌قاره هند بازمی‌گردد. اما سنی‌های طایفه‌ای را نباید فراموش کرد. گروهی که اصل و نسب‌شـان به عربسـتان شمالی بازمی‌گردد. آنها بحرین را در سال ۱۷۶۰ فتح کردند.

گروهی نیز اخیرا به جمعیت بحرین اضافه شـده‌اند، سنی‌هایی که خاندان سلطنتی به آنها امتیاز شهروندی بخشیده است. چگونگی گرفتن این امتیاز خود در هاله‌ای از ابهام اسـت. جامعه مملو از شایعاتی است که حاکی از اهدای حق شـهروندی به ده‌هاهزار خارجی است. بیشتر این حقوق به نیروهای نظامی و امنیتی و ماموران پلیس اهدا می‌شـود که غالبا بلوچ یا سوری یا از طوایف شرقی عربستان سعودی هستند. همین تعداد برای تغییر ترکیب قومی بحرین کافی است.

نکته جالب توجه اینجاست که در بحرین معمولا وصلت میان گروهی مذهبی مختلف رخ نمی‌دهد. سنی‌های عرب معمولا با سـنی‌های فارس وصلت نمی‌کنند و گروه‌های شیعه نیز از این قاعده مستثنا نیستند. گرچه در نیمه دوم قرن بیستم چندین ازدواج میان گروهی رخ داده است.

خیزشی که در فوریه ۲۰۱۲ رخ داد و سرکوب خونین پس از آن، سـبب قطبی‌تر شـدن رابطه میان گروه‌های قومی مختلف شده است. پیش از این رویدادها سنی‌های شهرنشین و شـیعه‌ها روابط مسالمت‌آمیزی داشتند. اما همین روابط هم‌اکنون تحت‌الشعاع مشکلات اقتصادی و بحران ناشی از تحولات در سیستم حکومتی قرار گرفته است.

اما طی چند دهه گذشته، اخوان‌المسلمین که میان محرقی‌ها نفوذ بسیار دارند، به جماعت سنی هجوم بسیار برده‌اند. مشابه چنین هجوم‌هایی از سوی سلفی‌ها نیز رخ داده است. اخوان‌المسلمین و سلفی‌ها در میان دولت فعلی از نفوذ بسیار برخوردارند.

بی‌اعتمادی و در برخی موارد، کینه و دشمنی برخاسته از یک جنبش شـیعی که بدان با دید یک انحراف دینی نگاه می‌شود، همواره در گفت‌وگوهای پشت پرده مشهود است.

اپوزیسیون

در آغـاز کار، اپوزیسـیون شـامل گروه‌های سـنی میانه‌رویی مانند الوعد به رهبری ابراهیم شـریف و اکثر فرقه‌های شیعه اعم از گروه‌های ضدسلطنتی تا گروه‌های معتدل‌تر حامی سلطنت مشروطه بود. به سبب افزایش تفرقه در کشور، ظاهرا شاخه سنی اپوزیسیون به تدریج از حمایت خود کاسته و رهبر گروه، ابراهیم شریف مورد بدرفتاری نیروهای امنیتی قرار گرفته است. اما باید گفت که روی‌هم‌رفته، اپوزیسـیون بحرین اساسـا شیعه‌محور است.

سنی‌های اکثریت

برخلاف اظهارات اپوزیسـیون، اکثریت سنی‌مذهب بحرین، شامل میانه‌روها، ادعا می‌کنند که گرایش‌هایشان به‌خصوص توسط ایالات متحده به شیوه‌ای ناعادلانه جلوه داده شـده اسـت. آنها حس می‌کنند که به نادرستی به عنوان اقلیتی سـرکوبگر به دنیا معرفی شده‌اند. اعتراض عمده آنها این است که چرا به آنها به عنوان اکثریت نگاه نمی‌شود. تایید اینکه اظهارات کدام‌یک از این دو گروه به واقعیت نزدیک‌تر است، تقریبا ناممکن است. در هر حال واقعیت، هر آنچه که باشـد، در مقابل اثراتش در تحریک اذهان از اهمیت کمتری برخوردار است.

کسی نمی‌تواند آرزوی بازگشـت به روزهای صلح را داشته باشـد چراکه از ابتدا صلحی وجود نداشته و آنچه در حافظه تاریخی مردم بحرین به جای مانده است تنها اختلاف و سـتیزه است هرچند از انظار پنهان بوده باشد. آنچه نباید از نظر دور داشت این است که گروه‌های شیعه و سنی همواره حکومت آل‌خلیفه را به باد انتقاد گرفته‌اند. حکومت آل‌خلیفه سـعی داشـته که از بحرین تصویری سراسر صلح و امنیت به جهان ارایه دهد. اما واقعیت این است که از زمان استقلال، حکومت همواره تلاش کرده که هرگونه مخالفتی را با به کارگیری سیاست مشت آهنین سـرکوب کند. هرچند در برهه‌هایی از زمان، اپوزیسیون اعتـراض خود را در قالب چندیـن تظاهرات خیابانی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ نشان داده‌اند و اعتراضات قابل توجهی نیز بعد از سـال ۱۹۹۴اتفاق افتاده اسـت. سـال ۲۰۰۱ میلادی تنها زمانی اسـت که بحریـن در صلح و آرامش سپری کرده است. در آن زمان بسیاری از بحرینی‌ها تصور می‌کردند که پادشـاه تازه‌کار حمدبن‌عیسـی راه را برای رسیدن به دموکراسی و آزادی بیان و آزادی احزاب هموار خواهد کرد. اما به تغییرات وعده‌داده شده هرگز جامه عمل پوشانده نشد. پادشاه تنها به ایجاد تغییرات سطحی بسنده کرد. همین خلف‌وعده خشـم اپوزیسیون فریب‌خورده را برانگیخت.

طی سال‌های اخیر، تفرقه میان شیعه و سنی چندان جدی گرفته نشـده اسـت، به‌خصوص میـان نخبگان. بیـن دهه‌هـای ۵۰ تا ۷۰، نخبـگان یکپارچه زیر پرچم ناسیونالیسـم عربی و سیاسـت‌های ضداستعماری قرار گرفتند. در واقع طی سال‌های اخیر، افرادی از هر دو گروه شیعه و سنی به دلیل مخالفت با سیاست‌های آل‌خلیفه و بریتانیا مجازات شـده‌اند. نمی‌توان انکار کرد که در هر دو گروه، حس قوی میهن‌پرستی وجود داشته است. این حس زمانی نمود پیدا کرد که بحرینی‌ها در راهپیمایی‌ها بنرهایی را با این شعار در دست داشتند: نه شیعه، نه سنی، فقط بحرینی.

شـاید توافقی میان برخی قدرت‌های همسایه مبنی بر اینکه بحرین میدان جنگی برای تسویه‌حساب نیست، بتواند کمک بزرگی جهت رسیدن به صلح داخلی باشد. در نهایت، این قدرت‌ها به این مسـاله پی خواهند برد که از دامن زدن به این اختلافات سودی عایدشان نخواهد شد.

ایـن امکان وجود دارد که با بهره جسـتن از گزارش کمیسیون مستقل بحرین به عنوان مبنای توافق بر سر اصول اساسـی، گامی در جهت رسـیدن به صلح داخلی برداشت.

آنچـه پس از نگاهی اجمالی به ایـن گزارش نظر را جلب می‌کند، آخرین نکته مطرح‌شده در گزارش است که در نظر گرفتن آن برای رسیدن به هر صلحی حیاتی اسـت. اینکه تمام ابزارهای قدرت در اختیار یک نفر یا یک جبهه نباشد. باشد که با به‌کارگیری این اصل مهم و بهره‌گیری از تجربیات تاریخی، شـعار مردم بحرین به حقیقت بپیوندد.

روزشمار تحولات بحرین

سـال ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۴۹): ایران پس از دریافت گزارش بریتانیا که نشـان می‌دهد بحرینی‌ها می‌خواهند مستقل بمانند، سخنان خود را درباره حق سلطه بر بحرین انکار می‌کند.

سال ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰): بحرین اعلام استقلال می‌کند و معاهده جدیدی را مبنی بر دوستی با بریتانیا امضا می‌کند. شیخ عیسی اولین امیر بحرین می‌شود و کابینه تشکیل می‌دهد.

دسامبر سال ۱۹۹۲ میلادی (۱۳۷۱): مجلس ۳۰ نفره‌ای با عنوان مجلس شورا تشکیل می‌شود. اعضا توسط امیر انتخاب می‌شوند.

دسامبر سال ۱۹۹۴ میلادی (۱۳۷۳): پس از دستگیری روحانی شیعه، شیخ علی سلمان که خواهان استقرار مجدد مجلس ملی است، تظاهراتی در پنجم دسامبر رخ می‌دهد.

ژانویه سال ۱۹۹۵ میلادی (۱۳۷۳): شیخ علی سلمان تبعید می‌شود و تقاضای پناهندگی در بریتانیا را دارد. پس از ایجاد تغییرات سازمانی در کابینه، پنج نفر از اعضایش از بین شیعیان انتخاب می‌شود. در سپتامبر همین سال مصادف با سال ۱۳۷۴ هجری شمسی، شیخ عبدالأمیر الجمری که پیشتر دستگیر شده بود، آزاد می‌شود.

مارس سـال ۱۹۹۹ میلادی (۱۳۷۷): پس از درگذشت امیر شیخ عیسی، فرزند بزرگ‌ترش، شیخ حمد، به قدرت می‌رسد.

سـپتامبر سـال ۲۰۰۰ میلادی (۱۳۷۹): به فرمان امیر، برای اولین‌بار، افراد غیرمسلمان و زنان نیز می‌توانند عضو مجلس شورا شوند.

فوریه سـال ۲۰۰۱ میلادی (۱۳۷۹): رفراندومی برای ایجاد اصلاحات سیاسـی برگزار می‌شـود. بحرینی‌ها حضور گسترده‌ای در این رفراندوم دارند.

فوریه سـال ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۰): حکومت تبدیل به سـلطنت مشـروطه می‌شود. پس از آن انتخابات محلی برگزار می‌شود. برای اولین‌بار زنان حق رای و کاندیداتوری دارند. پس از آن انتخابات پارلمانی برگزار می‌شود.

نوامبر سال ۲۰۰۶ میلادی (۱۳۸۵): اپوزیسیون شیعه ۴۰درصد آرا را در یک انتخابات عمومی از آن خود می‌کند.

سال ۲۰۰۹ میلادی (۱۳۸۸): در ماه آوریل، پادشاه فرمان عفو بیش از ۱۷۰ نفر، شامل ۳۰ شیعه را که به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و تلاش برای براندازی دستگیر شده بودند را صادر می‌کند.

سال ۲۰۱۰ میلادی (۱۳۸۹): ۲۰نفر از سران مخالفان شیعه به جرم تلاش برای براندازی بازداشت می‌شوند.

سال ۲۰۱۰ میلادی (۱۳۸۹): در ماه اکتبر، در انتخابات پارلمانی، بزرگ‌ترین گروه از مخالفان شیعه، جمعیت وفاق ملی اسلامی، ۱۸ کرسی از ۴۰ کرسی را از آن خود می‌کنند.

فوریه سال ۲۰۱۱ میلادی (۱۳۸۹): در فوریه ۲۰۱۱ هزاران تظاهرکننده با الهام‌گیری از قیام مردم مصر و تونس، در منامه گردهم می‌آیند. این تظاهرات با سرکوب شدید نیروهای امنیتی مواجه می‌شود. برای آرام کردن این بحران، پادشاه، چندین زندانی سیاسی را آزاد می‌کند. حسن مشیمع، از چهره‌های برجسته مخالفان، از تبعید بازمی‌گردد.

آوریل ۲۰۱۱ میلادی (۱۳۹۰): حاکمیت، دو حزب اصلی شیعه‌مذهب را که نماینده اکثریت شیعه‌اند، از فعالیت منع می‌کند. چهار تظاهرکننده به اعدام محکوم می‌شوند.

ژوئن ۲۰۱۱ (۱۳۹۰): حالت فوق‌العاده اعلام می‌شود. شرایط همچنان امنیتی است.

سپتامبر ۲۰۱۱ (۱۳۹۰): ۲۰ دکتر و پرستار به جرم مداوای تظاهرکنندگان زخمی، دستگیر می‌شوند.

نوامبر ۲۰۱۱ (۱۳۹۰): دولت تصدیق می‌کند که نیروهای امنیتی در مقابل خیزش دموکراسی‌خواهی مردم، «خشونت مفرط» به خرج داده‌اند.

ژانویه ۲۰۱۲ (۱۳۹۰): بریتانیا، بحرین را به دلیل سرکوب خونین تظاهرکنندگان به باد انتقاد می‌گیرد.

فوریه ۲۰۱۲ (۱۳۹۰): حضور پررنگ پلیس، تلاش‌های مخالفان برای گردهم آمدن در اولین سالگرد سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم.

روزنه

مسابقه سرعت در سنگلاخ دموکراسی

■ در حالی‌کـه چیـزی به زمـان برگزاری مسـابقات اتومبیلرانی فرمول یک بحرین باقی نمانده، خبرهای ضد و نقیض درباره برگزاری یا عدم برگزاری این مسـابقات فراوان است. کارکنان پیست اتومبیلرانی بحرین در حال انجام تعمیرات و آماده‌سـازی شـرایط برای پذیرایی از ده‌ها میهمان عالی‌رتبه هستند. جایگاه‌های تماشاچیان آماده‌انـد که حدود ۴۵۰۰۰ نفر را در خود جای دهند و بلیت‌ها در معرض فروش گذارده شده‌اند. «جین تات»، مدیر فدراسیون بین‌المللی اتومبیلرانی و برنی اکلستون، مدیر عامل شـرکت فرمـول یک از برگـزاری بی‌چون و چرای مسـابقات در زمان مقـرر خبر می‌دهند و همه چیز برای اجرای مسابقات، به ظاهر مهیاست. در همین حال، روزنامه تایمز لنـدن گزارش می‌دهد که تیم‌های شـرکت‌کننده در مسـابقات فرمول یک تصمیم دارند این مسـابقات را به دلیل ناامنی فزاینده در بحرین ترک کنند. برخی قانون‌گذاران بـر این باورند که تا زمان لغو مسابقات فرمول یک ۲۰۱۱بحرین، مساله نقض حقوق بشر در این کشور آنگونه که باید و شاید توسط کشورهای عرب‌زبان حاشیه خلیج‌فارس مورد توجه قرار نگرفته بود. از سرگیری این مسابقات در بحرین، آن هم در شرایطی بحرانی‌تر از سـال گذشـته، بار دیگر اذهان عمومی را از نقض حقوق بشـر در این کشـور منحرف خواهد کرد. مسـابقات اتومبیلرانی فرمول یک بحریـن، معروف به بحرین جـی پی، اولین بـار در آوریل سـال ۲۰۰۴ در پیسـت بین‌المللی بحرین برگزار شد. این مسابقات که اسپانسر آن شرکت هواپیمایی گلف ایر است، اولین دور از مسابقات اتومبیلرانی فرمول یک است که در خاورمیانه برگزار می‌شود. بحرین، با کنار زدن سه رقیب اصلی خود، یعنی مصر، لبنان و امارات متحده عربی، توانست میزبانی این مسابقات را به عهده گیرد. در تقویم مسابقات جهانی فرمول یک، بحرین معمولا سومین کشوری است که به میزبانی مسـابقات می‌پردازد اما در تقویم سال ۲۰۰۶، بحرین جای خود را به استرالیا که خاستگاه این مسابقات است، داد و در سـال ۲۰۱۰ نیز برای دومین بار میزبان مسـابقات افتتاحی شد. اما مسابقات فرمول یک ۲۰۱۱ که قرار بود در ماه مارس برگزار شود، به دلیل بالا گرفتن اعتراضات داخلی بحرین، لغو شد. لغو این مسابقات پس از آن صورت گرفت که دو نفر از شرکت‌کنندگان صاحب‌نام مسـابقه، مارک وبر و دیمون هیل نیـز اعتراض خود را نسبت به برگزاری مسابقات ابراز کردند.

دیمون هیل پادشاهی بحرین را «حاکمیت غوطه‌ور در خـون» وصف کرده و برگزاری مسـابقات در چنین کشـوری را با تورهای ورزشی که برای اجرای مسابقات، حکومـت آپارتاید آفریقای شـمالی را برگزیـده بودند، همانندسازی کرده بود.

با هزار تومان خیلی کارهای مهمی میشه کرد!

سال پیش از شما پرسیدیم که با هزار تومان چی کار می‌شه کرد و از شما دعوت کردیم که با مشارکت در طرح مشویت محک با پرداخت ماهـانه حداقل هـزارتومان به بزرگترین خانـواده حامی کودکان مبتلا به سرطان بپیوندید. امسال می‌خواهیم بگوییم که با هزار تومان‌های شما در محک چه کار می‌کنیم؛ ما با تکیه بر کمک‌های شما از سال ۱۳۷۰ تاکنون موفق به حمایت همه جانبه بیش از ۱۷۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان در سراسر ایران شده‌ایم و در سال ۸۶ تنها بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان در خاورمیانه را بنا نهاده و بهره‌برداری کرده‌ایم. فـقط در این بیمارستان تا امروز بالغ بر ۳۵۰۰ کودک از سراسر ایران، رایگان درمان شده‌اند.

اگر شما هم ماهی فقط هزار تومان به محک کمک کنین، می تونین ضمن پیوستن به بزرگترین خانواده حامیان کودکان مبتلا به سرطان در یکی از پر ارزش‌ترین حرکت‌های دنیا برای نجات جان هزاران کودک مشارکت کنید.

برای پیوستن به خانواده بزرگ محک با شماره ۲۳۵۴۰-۰۲۱ تماس بگیرید.

محک

mahak-charity.org

برای بازدید از این مجموعه که حاصل عشق شماست، با شماره تلفن ۲۳۵۰۱۲۱۰-۰۲۱ تماس حاصل فرمایید.
از اینکه به پیام ما توجه کردید سپاسگزاریم.